



Title of Paper: An Uṣūlī Analysis of the Role of the Principle of Precaution in Accepting or Rejecting Lineage Arising from Modern Reproductive Technologies

Article Info

ABSTRACT

Article type: Analytical
Research Article

Article history:
Received
Received in revised form
Accepted
Available online

Keywords:
Principle of Precaution
Modern Reproductive Technologies
Principle of Non-Establishment
Principle of Exemption
Gamete Donation

This study aims to examine the jurisprudential and legal status of lineage (nasab) in cases involving donated gametes, where the origin of the gamete does not belong to the married couple. It seeks to assess the legitimacy of attributing lineage to legal parents by relying on the principle of precaution (iḥtiyāt) within Shi‘i legal theory. The research adopts a descriptive–analytical approach grounded in uṣūl al-fiqh. It analyzes classical and contemporary jurisprudential sources, including the works of Shaykh al-Anṣārī, Ākhūnd al-Khurāsānī, and al-Shahīd al-Ṣadr, examines the rule of firāsh and relevant narrations, and reviews contemporary juristic opinions in the field of medical jurisprudence. Both legal and factual doubts concerning lineage are evaluated through operative principles. The findings indicate that in cases of donated gametes, the rule of firāsh lacks definitive applicability due to the non-conjugal origin of the gamete. This situation gives rise to a potential conflict between the rule of firāsh, the principle of non-establishment, and the principle of precaution. Given the serious religious, legal, and social consequences of lineage, precaution emerges as the prevailing principle. The study concludes that in the presence of doubt regarding the realization of lineage in donated gamete cases, lineage cannot be definitively attributed to legal parents without certainty or valid shar‘i proof. Accordingly, the principle of precaution should be applied, and supplementary legal mechanisms may be employed to address resulting social and legal implications.

Cite this article:



© The Author(s).

Razavi University of Islamic Sciences

Publisher:

نسخه پیش از انتشار (ناویراسته)



تحلیل اصولی نقش اصل احتیاط در پذیرش یا رد نسب ناشی از باروری‌های نوین

زهراراستی، استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق دانشگاه امام صادق(ع)، پردیس خواهران، تهران، ایران. رایانامه: zahra.rasti@isu.ac.ir

نگین جهان‌فر، دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه فقه و مبانی حقوق دانشگاه امام صادق(ع)، پردیس خواهران، تهران، ایران. رایانامه:

jahanfarnegin48@gmail.com

نگین احمدخانی، دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه فقه و مبانی حقوق دانشگاه امام صادق(ع)، پردیس خواهران، تهران، ایران. رایانامه:

neginahmadkhani@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

پیشرفت فناوری‌های کمک‌باروری، به‌ویژه استفاده از گامت‌های اهدایی، مسئله انتساب نسب را با چالش‌های جدی فقهی و حقوقی مواجه ساخته است. هدف این پژوهش، تبیین حکم فقهی-حقوقی نسب در فرضی است که منشأ نطفه از غیر زوجین باشد و بررسی این مسئله بر اساس اصل احتیاط به‌عنوان یکی از اصول عملیه در فقه شیعه است. این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد اصول فقهی انجام شده است. داده‌ها از طریق تحلیل منابع فقهی و اصولی کلاسیک و معاصر، از جمله آثار شیخ انصاری، آخوند خراسانی و شهید صدر، بررسی قاعده فراش، اصول عملیه (به‌ویژه اصل احتیاط و اصل عدم)، و آرای فقهای معاصر در حوزه فقه پزشکی گردآوری و تحلیل شده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در فرض اهدای گامت، به دلیل غیر بودن منشأ نطفه، قاعده فراش قابلیت اجرای قطعی ندارد و میان آن، اصل عدم و اصل احتیاط تعارض پدید می‌آید. با توجه به شک موضوعی و حکمی در تحقق نسب و آثار گسترده شرعی و حقوقی آن، اصل احتیاط نسبت به سایر اصول عملیه از رجحان برخوردار است. بر اساس تحلیل اصولی، در موارد شک در تحقق نسب ناشی از گامت‌های اهدایی، الحاق قطعی نسب به والدین حقوقی بدون وجود یقین یا حجت معتبر شرعی موجه نیست. از این رو، اجرای اصل احتیاط اقتضا دارد که از اثبات نسب خودداری شده و برای جبران آثار اجتماعی و حقوقی، از راهکارهای تکمیلی حقوقی مانند وصیت، صلح و احکام قضایی استفاده شود.

کلیدواژه‌ها:
اصل احتیاط،
باروری‌های نوین،
اصل عدم، اصل
برائت، اهدای گامت

استناد:

ناشر: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

© نویسندگان:



مقدمه

موضوع پژوهش

در فقه اسلامی، احکام ناظر بر «نسب» نقش محوری در شکل دهی به ساختار حقوق خانواده دارند. از منظر فقهی، «نسب» تنها مفهومی زیستی نیست بلکه مفهومی شرعی-حقوقی با آثار متعدد در حوزه‌هایی نظیر ارث، محرمیت، ولایت، حضانت، نفقه و مسؤولیت‌های تربیتی است. در نظام فقهی، انتساب طفل به والدین عمدتاً مبتنی بر اصولی مانند «قاعده فراش» و احراز نسب از طریق منشأ مشروع نطفه است. با این حال، پیشرفت‌های علمی در حوزه درمان ناباروری و بهره‌گیری از گامت اهدایی (تخمک یا اسپرم افراد دیگر)، مسائل جدیدی را در زمینه تعیین نسب مطرح ساخته است. باید تأکید کرد که این مقاله تنها به بررسی مواردی می‌پردازد که هم اسپرم و هم تخمک از غیر زوجین گرفته شده‌اند و در نتیجه کودک از نظر بیولوژیکی به هیچ‌یک از زوجین منسوب نیست. این تمایز، دامنه پژوهش را از دیگر اشکال باروری (نظیر تلقیح مصنوعی با گامت یکی از زوجین یا رحم جایگزین با تخمک همسر) جدا می‌سازد.

اهمیت و ضرورت پژوهش

تحولات گسترده در حوزه فناوری‌های کمک‌باروری و کاربرد عملی روش‌هایی مانند اهدای گامت در مراکز درمان ناباروری، موجب شده است که بسیاری از مسائل نوپدید فقهی، از حالت فرضی و نادر خارج شده و به چالش‌هایی واقعی و مبتلابه در سطح جامعه تبدیل شوند. امروزه تولد کودکانی که از طریق باروری‌های نوین و با دخالت گامت‌های اهدایی به دنیا می‌آیند، واقعیتی انکارناپذیر است که آثار آن به‌طور مستقیم در نظام حقوق خانواده، رویه‌های قضایی و تصمیمات پزشکی بروز یافته است. در چنین شرایطی، سکوت یا ابهام در تحلیل فقهی این پدیده، می‌تواند به بروز ناهماهنگی‌های جدی در مقام عمل منجر شود. در میان فروض مختلف باروری‌های نوین، فرضی که در آن هر دو گامت (اسپرم و تخمک) از غیر زوجین تأمین می‌شود، از حیث فقهی و اصولی جایگاه ویژه‌ای دارد؛ زیرا در این حالت، یکی از اساسی‌ترین نهادهای فقه اسلامی، یعنی «نسب»، با تردیدی بنیادین مواجه می‌شود. اهمیت این مسئله از آن جهت مضاعف است که «نسب» در فقه امامیه صرفاً یک عنوان توصیفی یا زیستی نیست، بلکه منشأ ترتب مجموعه‌ای از احکام الزامی و سرنوشت‌ساز، از جمله ارث، محرمیت، نکاح، ولایت، حضانت، نفقه و

حتی برخی تکالیف عبادی و اجتماعی است. از این رو، هر گونه ابهام یا خطا در اثبات یا نفی نسب، می تواند پیامدهایی گسترده و بعضاً جبران ناپذیر به همراه داشته باشد.

رجوع به اصول عملیه و تعیین اصل حاکم در مقام شک، ضرورتی اجتناب ناپذیر است. با توجه به اهمیت فوق العاده نسب و آثار خطیر مترتب بر آن، این پرسش اساسی مطرح می شود که آیا می توان با تمسک به اصولی مانند اصل عدم یا اصل برائت، به راحتی درباره الحاق یا عدم الحاق نسب اظهار نظر کرد، یا آنکه مقتضای احتیاط در دماء، فروج و انساب، اتخاذ رویکردی محتاطانه تر است. از این رو، تبیین جایگاه اصل احتیاط در مواجهه با شک در تحقق نسب ناشی از باروری های نوین، نه تنها یک بحث نظری در علم اصول، بلکه پاسخی ضروری به یک نیاز واقعی فقهی و اجتماعی به شمار می آید.

بر این اساس، ضرورت انجام پژوهش حاضر از یک سو ناشی از شیوع عملی و فزاینده باروری های نوین و از سوی دیگر، برخاسته از اهمیت بنیادین نسب در نظام فقه و ارائه پاسخی روشن در خصوص نسب در فرض اهدای گامت است. این پژوهش می کوشد با رویکردی اصولی و با تمرکز بر اصل احتیاط، چارچوبی منسجم و قابل دفاع برای مواجهه فقهی با این مسئله ارائه دهد و بدین وسیله، گامی در جهت کاهش ابهام های موجود و پیشگیری از پیامدهای نامطلوب شرعی و اجتماعی بردارد.

سؤال پژوهش

در خصوص شک در نسب، مسئله این است که آیا شرعاً نسب برقرار می شود یا خیر. این شک، شک در اصل حکم شرعی نسبت نیست، بلکه شک درباره این است که آیا طفل واقعاً به این زوج تعلق دارد یا خیر. بنابراین، این شبهه، شبهه ای موضوعی است؛ زیرا حکم روشن است، ولی موضوع (یعنی انتساب واقعی) مشکوک است.

فرضیه پژوهش

با این حال، الحاق نسب به والدین قانونی ممکن است در مرحله بعد به شبهه ای در حکم نیز منجر شود؛ زیرا در این حالت، احکام نسب، از جمله برقراری ارث میان والدین و فرزندان، مشکوک خواهد بود. در ادامه، موارد مختلف شبهه به تفصیل بررسی خواهند شد.

هدف پژوهش

این مقاله در تلاش است تا با رویکردی اصولی، نشان دهد که در موارد گامت‌های اهدایی، اصل احتیاط در برابر سایر اصول عملیه و حتی قواعد فقهاتی، مبنای معتبرتری برای تعیین حکم است.

پیشینه پژوهش

در فقه معاصر، نظریه‌هایی در مورد نسب کودک حاصل از گامت اهدایی مطرح شده است. برخی فقها از جمله آیت‌الله فاضل لنکرانی بر عدم الحاق نسب به والدین حقوقی (گیرنده گامت) تأکید دارند (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۸ق.، ج ۲، ص ۴۸۹) و توصیه به احتیاط کامل می‌کنند. آیت‌الله سیستانی در خصوص تلقیح گامت‌های بیگانه، تأکید بر احتیاط واجب نسبت به ترک این عمل دارند که نشان از اهمیت و حساسیت بالای موضوع دارد. با این حال، ایشان نیز در صورت انجام عمل، نسب فرزند را متعلق به صاحبان گامت اسپرم و تخمک می‌دانند و رابطه فرزند با زن صاحب رحم را نیز موجب محرمیت دانسته و ازدواج آن دو را با یکدیگر حرام اعلام کرده‌اند، لذا نظر ایشان نیز موافق با کاربرد اصل احتیاط در نسب می‌باشد. (سیستانی، ۱۴۰۱، مسئله ۲۸۶۱)

پیشینه پژوهشی

در خصوص پژوهش حاضر، مطالعه‌ای که به صورت جامع و نظام‌مند به بررسی و تحلیل اصولی اصل احتیاط در پذیرش یا رد نسب ناشی از باروری‌های نوین در فرض استفاده زوجین از گامت اهدایی (آن‌گاه که منشأ نطفه از غیر زوجین است) پرداخته باشد، یافت نشد. با این حال، پژوهش‌های مرتبطی در این زمینه وجود دارد که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

در پایان‌نامه‌ای با عنوان «نسب و حقوق مدنی طفل ناشی از اهدای نطفه و جنین در فقه امامیه و حقوق ایران»، با استناد به آرای فقها و حقوق‌دانان، دیدگاه فقه امامیه درباره جواز یا حرمت روش‌های باروری مصنوعی و نیز مسائل مرتبط با نسب مورد بررسی قرار گرفته است. با این حال، این پژوهش فاقد رویکرد اصولی بوده و به صورت متمرکز و مستقل به تحلیل مسئله اهدای گامت، به‌ویژه در فرض انفصال کامل منشأ نطفه از زوجین، پرداخته است. (عامریان، ۱۳۹۵، ص ۶)

در پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی فقهی و حقوقی موضوع رحم اجاره‌ای و اهدای گامت در ایران»، مشروعیت فقهی و وضعیت حقوقی روش‌های نوین درمان ناباروری، از جمله رحم جایگزین و اهدای گامت، بررسی شده و حقوق و تکالیف طرفین قرارداد، وضعیت حقوقی طفل متولدشده، مسئله نسب،

ارث و حرمت نکاح تحلیل گردیده است. این پژوهش همچنین به اعتبار قراردادهای مربوط و لزوم تدوین قانون جامع در این حوزه تأکید دارد.

تفاوت این پژوهش با تحقیق حاضر در آن است که رویکرد آن عمدتاً فقهی - حقوقی و قراردادی است، در حالی که پژوهش حاضر با رویکردی اصولی و با تمرکز بر اصل احتیاط در مسئله نسب ناشی از گامت اهدایی انجام می‌شود. (مسعودی، ۱۳۸۹، ص ۷)

در مقاله‌ای با عنوان «اهدای ترکیبی گامت و رحم اجاره‌ای و حقوق والد-فرزندی»، با رویکرد فقهی و حقوقی، آثار انواع اهدای گامت، رحم جایگزین و به‌ویژه اهدای ترکیبی بر حقوق والد-فرزندی از جمله نسب، حضانت، ولایت، نفقه و محرمیت بررسی شده و نتیجه گرفته شده است که جز در مورد ترکیب اهدای جنین و رحم اجاره‌ای، در سایر موارد می‌توان حقوق والد-فرزندی را مشابه اهدای ساده دانست.

تفاوت این پژوهش با تحقیق حاضر در آن است که مقاله مزبور به تحلیل آثار وضعی و حقوق والد-فرزندی می‌پردازد، در حالی که پژوهش حاضر با رویکردی اصولی و با تمرکز بر اصل احتیاط در مقام اثبات یا نفی نسب ناشی از گامت اهدایی پرداخته است. (علی‌زاده و مرقاتی و عمانی، ۱۳۸۸، ص ۲۳)

در کتاب «اهدای گامت و جنین در درمان ناباروری»، موضوع اهدای گامت و جنین از سه منظر پزشکی - روان‌شناختی، فقهی - حقوقی و اخلاقی - جامعه‌شناختی بررسی شده است. در بخش نخست، مباحثی مانند فرآیندهای پزشکی لقاح، هماهنگی سیکل‌های اهداکننده و دریافت‌کننده، مشاوره و ارزیابی سلامت روانی - اجتماعی، و پیامدهای روان‌شناختی این روش‌ها مطرح شده است. در بخش فقهی - حقوقی، مسائلی همچون تزریق اسپرم مرد اجنبی، مبانی فقهی قانون اهدای جنین، نارسایی‌های تقنینی، شرایط صحت قراردادهای درمان ناباروری، احکام وضعی کودکان ناشی از اهدای گامت (از جمله توارث) و مجوزهای قانونی بررسی گردیده است. در بخش پایانی نیز ابعاد اخلاق پزشکی، انتخاب جنسیت، روابط مالی و ملاحظات فرهنگی - اجتماعی اهدای گامت و جنین مورد توجه قرار گرفته است.

تفاوت این اثر با پژوهش حاضر در آن است که کتاب مذکور رویکردی میان‌رشته‌ای و عمدتاً توصیفی - فقهی دارد، در حالی که تحقیق حاضر با تمرکز خاص بر فرض انفصال کامل منشأ نطفه از زوجین، به

تحلیل اصولی اصل احتیاط در مقام اثبات یا نفی نسب می‌پردازد. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵، ص ۴۵-۶۶)

روش و ساختار پژوهش

پژوهش حاضر با رویکردی تحلیلی-اصولی و مبتنی بر روش کتابخانه‌ای انجام شده است و هدف آن، تبیین وضعیت فقهی نسب در فرضی خاص از باروری‌های نوین است که در آن، منشأ هر دو گامت از غیر زوجین تأمین می‌شود. روش تحقیق بر تحلیل قواعد فقهی و اصولی و ارزیابی توان آنها در پاسخ‌گویی به این مسئله نوپدید استوار است و از این رو، از ورود به مباحث صرفاً تجربی یا پزشکی پرهیز شده و تمرکز اصلی بر استنباط فقهی قرار گرفته است. از منظر اصول فقه، هرگاه در تحقق یک حکم شرعی شک وجود داشته باشد و ادله مثبت آن تمام نباشند، اصول عملیه به‌عنوان قواعد اضطراری نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کنند. یکی از این اصول، اصل احتیاط است که در این پژوهش، به‌عنوان محور اصلی تحلیل انتخاب شده است. مبنای این انتخاب، اهمیت ویژه نهاد «نسب» و آثار گسترده شرعی و حقوقی مترتب بر آن است؛ آثاری که هرگونه تسامح در اثبات یا نفی آنها، می‌تواند به پیامدهای جبران‌ناپذیر فقهی و اجتماعی منجر شود.

بر اساس مسلک «حق الطاعه»، عمومی‌ترین اصل عملی، اصل اشتغال ذمه به شمار می‌رود؛ بدین معنا که عقل حکم می‌کند هر تکلیف احتمالی تا زمانی که شارع اجازه ترک احتیاط در برابر آن را نداده باشد، بر مکلف منجز است و ذمه او بدان مشغول می‌شود. این اصل مبتنی بر آن است که حق اطاعت مولی، شامل همه تکالیف احتمالی و ظنی نیز می‌گردد. شهید صدر در تبیین حدود جریان این اصل بیان می‌کند که فقیه تنها در چهار حالت از اصل احتیاط استفاده می‌کند یا از آن دست برمی‌دارد: ۱. قطع به نفی تکلیف ۲. قطع به وجود تکلیف ۳. احتمال تکلیف همراه با ترخیص شارع ۴. احتمال تکلیف همراه با منع شارع از ترک احتیاط (اسلامی، ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۵۳-۵۵)

ساختار مقاله به‌گونه‌ای طراحی شده است که این مبنای اصولی، در بستر یک سیر منطقی و مرحله‌به‌مرحله به کار گرفته شود. بدین منظور، در بخش نخست، مفاهیم بنیادین پژوهش از جمله «نسب» و جایگاه آن در فقه امامیه تبیین می‌گردد. در بخش بعد، قواعد و ادله مطرح در باب اثبات نسب، به‌ویژه قاعده فراش، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

پس از آن، مقاله وارد مرحله تحلیل اصولی می‌شود و با فرض عدم تمامیت ادله اجتهادی، تعارض میان قواعد و اصول عملیه از جمله اصل عدم، اصل برائت و اصل احتیاط بررسی می‌گردد. در نهایت، در بخش نتیجه‌گیری، بر اساس مجموع مباحث مطرح‌شده، این جمع‌بندی ارائه می‌شود که در فرض شک در تحقق نسب ناشی از گامت اهدایی، الحاق قطعی نسب به والدین حقوقی بدون وجود یقین یا حجت معتبر شرعی، موجه نیست و مقتضای رویکرد اصولی اتخاذشده، ترک اثبات نسب و استفاده از راهکارهای جبرانی حقوقی و اجتماعی است.

یافته‌های پژوهش

فقه‌های امامیه، در شرایط طبیعی، برای اثبات نسب به مرد، به قاعده فراش تمسک می‌جویند. بر اساس روایت مشهور از پیامبر (ص): فرزند به فراش شوهر تعلق دارد، نه به زناکار. (عاملی، ج ۲۱، باب ۴۵ از ابواب حد زنا، ص ۴۳۰، ح ۲). این قاعده در فقه متأخرین، به‌ویژه در تحریرالوسیله امام خمینی (موسوی خمینی، ج ۲، ص ۶۲۱) به‌عنوان ملاک اثبات نسب از سوی شوهر تلقی می‌شود. اما در فرض ما (که نطفه اساساً از شوهر نیست) این قاعده از اساس قابلیت اجرا ندارد. از سوی دیگر، قاعده «الولد لصحیح النطفه» (فرزند از آن صاحب نطفه مشروع است) در فرض گامت اهدایی نیز دچار خدشه است، چرا که طفل از نظر بیولوژیکی نسبتی با زوجین ندارد تا در جهت مشروعیت آن سخن گفته شود و شک در الحاق طفل به والدین حقوقی به‌طور جدی مطرح است. همچنین تمسک به قاعده انتساب ولد به صاحب نطفه مشروع نیز در فرض اهدای گامت، به‌سبب فقدان رابطه زوجیت مشروع میان صاحبان گامت و زن حامل، با اشکالات فقهی و اجتماعی همراه است. در نتیجه، وضعیت فقهی نسب در این فرض، در هاله‌ای از شک و عدم قطعیت قرار می‌گیرد.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مسئله نسب ناشی از باروری‌های نوین با گامت اهدایی، از منظر اصول فقه، واجد شک مرکب است؛ به‌گونه‌ای که هم شبهه موضوعیه و هم شبهه حکمیه بدوی در آن قابل تشخیص است. این امر، نحوه جریان اصول عملیه و تقدم یا تأخر آنها را به‌طور مستقیم تحت تأثیر قرار می‌دهد. بر این اساس، یافته‌ها به شرح زیر قابل تبیین است:

۱. تحقق هم‌زمان شبهه موضوعیه و شبهه حکمیه در نسب ناشی از گامت اهدایی

بر اساس تحلیل مباحث مقاله، در فرض اهدای گامت، از یک‌سو شبهه موضوعیه رخ می‌دهد؛ زیرا تحقق موضوع حکم شرعی نسب معتبر محل تردید است. در این فرض، تکون جنین در رحم زن شوهردار

صورت گرفته، اما منشأ نطفه از زوج نیست و همین امر، موجب تردید در الحاق نسب کودک متولد شده به اهداگیرندگان می‌گردد. بنابراین، شک در این که آیا موضوع حکم الحاق نسب محقق شده است یا خیر، به روشنی از سنخ شبهه موضوعیه است. از سوی دیگر، با فرض عدم تمامیت ادله اجتهادی، شبهه حکمیه بدوی نیز شکل می‌گیرد؛ زیرا حکم شرعی الحاق یا عدم الحاق نسب در این وضعیت نوپدید، به صورت یقینی از ادله شرعی به دست نمی‌آید و نص یا اجماع روشنی در این خصوص وجود ندارد. از این رو، فقیه در مقام استنباط، با شک در حکم واقعی شارع مواجه می‌شود.

۲. تقدم اصل احتیاط بر اصل براءت در مرحله پیش از اتمام بررسی ادله

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در مواردی که شبهه حکمیه بدوی وجود دارد، نمی‌توان پیش از اتمام بررسی ادله شرعی، به اصل براءت تمسک کرد. در چنین وضعیتی، حکم عقل اقتضا می‌کند که تا زمان روشن شدن وضعیت حکم، جانب احتیاط رعایت شود. همان‌گونه که در مقاله تبیین شده است، هرگاه امری مشکوک باشد، پیش از احراز نبود تکلیف، تمسک به براءت موجه نخواهد بود و باید از اصل احتیاط استفاده کرد.

در همین راستا، آخوند خراسانی در *کفایة الأصول* تأکید می‌کند که در موارد شک در موضوعات دارای آثار مهم، اصل احتیاط مقدم است، به ویژه در جایی که آثار مترتب، غیرقابل جبران باشد (خراسانی، ج ۲، ص ۱۹۳-۲۰۲).

۳. حساسیت ویژه نسب و تأثیر آن در تقویت جریان اصل احتیاط

یافته دیگر پژوهش آن است که حساسیت نهاد نسب و آثار گسترده شرعی و حقوقی آن، نقش تعیین‌کننده‌ای در تقویت جریان اصل احتیاط دارد. نسب، منشأ ترتب آثاری همچون ارث، ولایت، محرمیت و حضانت است و هرگونه خطا در اثبات یا نفی آن، پیامدهایی دارد که در بسیاری موارد غیرقابل جبران است. از این رو، حتی اگر در تشخیص نوع شک (حکمی یا موضوعی) تردیدی وجود داشته باشد، نفس اهمیت موضوع، عقل و شرع را به سمت احتیاط سوق می‌دهد.

بر همین اساس، در مورد نسب کودک حاصل از گامت اهدایی، به دلیل تردید جدی در مشروعیت الحاق نسب به والدین حقوقی، اصل احتیاط اقتضا دارد که از الحاق نسب خودداری شود، چرا که آثار سنگین حقوقی و شرعی همچون ارث، ولایت، محرمیت و حضانت بر آن مترتب است.

۴. تأیید فقهی اصل احتیاط در باب فروج و انساب

یافته نهایی پژوهش، هم‌سویی نتیجه اصولی با رویکرد کلی شارع در باب فروج و انساب است. به‌عنوان مؤیدی بر رویکرد اتخاذشده، باید توجه داشت که فرج، مبدأ تکون انسان است و بی‌مبالاتی در امر فروج، به اختلاط میاه و انساب منجر می‌شود. از این رو، در چنین مواردی، احتیاط مطلوب شارع مقدس دانسته شده است (مصدقی و همکاران، ۱۴۰۲، ص ۷۰).

۱. مبانی نظری و مفهومی

۱-۱. تعریف و ماهیت نسب در فقه و حقوق

ماهیت دوگانه نسب (زیستی و حقوقی-شرعی) آن را به یک مفهوم پیچیده تبدیل می‌کند. از منظر زیستی، نسب به کروموزوم‌ها بازمی‌گردد که از والدین به ارث می‌رسد. اما از منظر حقوقی و شرعی، نسب چارچوبی است که جامعه برای تنظیم روابط خانوادگی و مسئولیت‌ها ایجاد کرده است. این چارچوب، صرفاً بر پایه واقعیت زیستی بنا نشده، بلکه شامل اراده شرع و عرف نیز می‌شود لذا این رابطه حقوقی، آثار عملی فراوانی از جمله «مسائل مربوط به ارث، ولایت، حضانت، رضاع، نکاح و حرمت نکاح» را در پی دارد. (ر.ک: مطهری، ۱۳۸۵، ص ۵۴-۵۶)

اهمیت نسب در فقه شیعه به حدی است که می‌توان آن را ستون فقرات نظام حقوق خانواده دانست. تعیین نسب، پایه و اساس بسیاری از روابط حقوقی و شرعی است. (کلینی، ۱۴۱۱ه.ق، ج ۵، ص ۳۷۳) برای مثال، در مسئله ارث، تنها بستگان نسبی (و سببی) می‌توانند ارث ببرند. در ولایت قهری، پدر و سپس جد پدری بر فرزند ولایت دارند. در مسئله محرمیت، نسب موجب حرمت نکاح میان خویشاوندان می‌شود. همچنین، حقوق و تکالیفی مانند حضانت و نفقه نیز بر پایه نسب ثابت استوار است. اهمیت خانواده به عنوان اولین واحد اجتماعی، که ثبات و بقای جامعه به آن بستگی دارد، باعث شده است که فقه و حقوق، قواعد مستحکمی برای تعیین و اثبات نسب وضع کنند.^۱

فقهای امامیه با استناد به ادله نقلی و اجتهادی، قواعدی برای اثبات نسب وضع کرده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها قاعده «الولد للفراش» است. این قاعده که برگرفته از روایت پیامبر اکرم (ص) «الولد للفراش و للعاهر الحجر» می‌باشد، (عاملی، ۱۴۰۳، ج ۲۱، ص ۴۳۰) بیانگر آن است که فرزند متولد شده در عقد نکاح معتبر، به شوهر نسبت داده می‌شود، مگر آنکه خلاف آن ثابت گردد. به عبارتی، فرزند متعلق به بستر مشروع (فراش) است و ادعای انتساب به غیر (عاهر) مردود است. (موسوی الخمینی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۶۲۱) این قاعده برای حفظ نظم اجتماعی، جلوگیری از اختلاط نسب‌ها و حمایت از نهاد خانواده وضع شده است.

^۱ قوام الاجتماع بالنسب و الروابط الطبيعية

ماهیت نسب، صرفاً یک انتساب طبیعی نیست، بلکه باید واجد «حقانیت» و «انتساب شرعی» باشد؛ بدین معنا که حتی با فرض تحقق رابطه زیستی، تا زمانی که این رابطه در چارچوب ادله معتبر شرعی و قانونی اثبات نشود، آثار کامل حقوقی و شرعی آن مترتب نخواهد شد. در مواردی که پیشرفت‌های پزشکی، مانند روش‌های کمک‌باروری، موجب تردید در منشأ نطفه یا نحوه تلقیح می‌شود، بر اساس مبانی اصول فقه، اصل احتیاط به‌عنوان وظیفه عملی مکلف در موارد احتمال مخالفت با حکم واقعی فعال می‌گردد. (ر.ک: انصاری، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۵-۲۶).

این اصل، مکلف را به پرهیز از اقداماتی توصیه می‌کند که ممکن است منجر به گناه یا ترک وظیفه شرعی شود. در نظام حقوقی ایران، قانون مدنی (مصوب ۱۳۱۴) در مواد متعدد (از جمله مواد ۱۱۵۸ به بعد) به قواعد اثبات نسب پرداخته است. ماده ۱۱۵۸ قانون مدنی، به صراحت، قاعده «الولد للفراش» را در حقوق ایران مبنا قرار داده است. با این حال، همانطور که اشاره شد، فناوری‌های نوین پزشکی مانند اهدای گامت (تخمک یا اسپرم) یا رحم اجاره‌ای، چالش‌های جدی برای این قواعد ایجاد کرده‌اند. در چنین مواردی، خلأهای قانونی و فقهی پدید آمده که نیازمند بررسی اصولی عمیق است. بنابراین، باید تأکید کرد که نسب صرفاً یک پیوند خونی نیست، بلکه شبکه‌ای از روابط حقوقی، اجتماعی و معنوی است که ثبات خانواده و جامعه را تضمین می‌کند. درک جامع این چندوجهی بودن، به ما کمک می‌کند تا در مواجهه با چالش‌های اخلاقی و حقوقی ناشی از فناوری‌های نوین باروری، بتوانیم رویکردی متعادل و جامع‌نگر اتخاذ کنیم. این رویکرد، نیازمند تلفیق دانش زیست‌شناسی، اصول فقهی، و قوانین حقوقی است تا ضمن حفظ حقوق طبیعی و زیستی افراد، مصلحت‌های اجتماعی و شرعی نیز لحاظ گردد.

۲-۱. جایگاه اصل احتیاط در اصول فقه شیعه

اصل احتیاط، به عنوان یکی از اصول عملیه بنیادین در اصول فقه شیعه، نقشی تعیین‌کننده در مواجهه با مسائل دارای ابهام و شک دارد. این اصل در مواردی که احتمال وقوع حرام یا ترک واجب وجود دارد، مورد تأکید قرار می‌گیرد و به عنوان قاعده‌ای شرعی، مکلف را از اقدام بدون قطعیت در امری که احتمال حرمت یا ترک وظیفه دارد، باز می‌دارد.

از منظر اصولیین بزرگ همچون شیخ انصاری، اصل احتیاط به ویژه در موضوعات حساس و دارای آثار عمیق شرعی و اجتماعی بهترین راهکار می‌باشد. (انصاری، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۷۵) این اصل عملیه، مکلفین و مجتهدین را در مواجهه با شک‌های واقعی و موضوعات دارای ابعاد حقوقی و شرعی گسترده، به استفاده از اقدامات محتاطانه توصیه می‌کند.

اصل احتیاط، غالباً وظیفه عملی مکلف را به هنگام شک در «مکلف به» تعیین می‌کند و به لزوم موافقت قطعی با تکلیف «معلوم به اجمال» حکم می‌نماید. (نائینی، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۴) پس اصل احتیاط در مورد شک در «مکلف

به» (شبهه مقرون به علم اجمالی) جاری می‌گردد و چون شک در مکلف به یا بین «متباینین» است یا بین «اقل و اکثر»، اصولی‌ها در دو مقام از اصل احتیاط بحث کرده‌اند. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸، ج ۳، ص ۱۲۵) هر چند از نگاه برخی از اصولیان در بسیاری از موارد، مجرای احتیاط، شبهه مقرون به علم اجمالی است، ولی منحصر به آن نمی‌باشد. (فاضل موحدی لنکرانی، ۱۳۷۹، ج ۱۰، ص ۵۶۷-۵۶۵)

آخوند محمد کاظم خراسانی در اثر سترگ خود، «کفایه الاصول»، ضمن تایید اصل احتیاط، بر اولویت آن در موارد حساس تاکید می‌کند. ایشان معتقدند که در مسائلی که آثار آن متوجه حقوق الناس و حفظ کیان جامعه است (مانند بحث نسب)، جانب احتیاط به مراتب مهم‌تر از سایر اصول عملیه مانند براءت است. این رویکرد، نشان‌دهنده درک عمیق ایشان از ضرورت انطباق اصول فقهی با واقعیت‌های متغیر اجتماعی و فناوری است. این نظر، بیانگر اهمیت احتیاط به عنوان یک «ضمانت اجرا» برای حفظ موازین شرعی و حقوقی است. (خراسانی، ۱۴۰۹ق.، ج ۲، ص ۱۹۳-۲۰۲)

فقهای معاصر نیز با توجه به حساسیت بالای باب نسب، در مواجهه با مسائل نوپدید زیست‌فناورانه، رویکردی محتاطانه اتخاذ کرده‌اند. آیت‌الله سیستانی در بحث تلقیح با گامت بیگانه، ضمن عدم جواز اصل عمل، در فرض تحقق، نسب طفل را به صاحبان اسپرم و تخمک ملحق دانسته و نسبت به آثار ناشی از حمل توسط زن صاحب رحم، قائل به احتیاط واجب شده‌اند (سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، مسئله ۲۸۶۱).

همچنین آیت‌الله فاضل لنکرانی، جریان احکام مادری نسبت به زن صاحب رحم را «مشکل» دانسته و تصریح می‌کنند که از حیث محرمیت و نکاح، رعایت احتیاط لازم است (فاضل لنکرانی، تفصیل الشریعه، ج ۲، ص ۴۹۰).

آیت‌الله مکارم شیرازی نسب فرزند را ملحق به اهدا گیرنده نمی‌دانند و در این خصوص بیان داشته‌اند که: فرزند متعلق به صاحبان نطفه و با آنها محرم است و از آنها ارث می‌برد. و در مورد مادر جانشین (اهدا گیرنده) به منزله فرزند رضاعی او است، بلکه در بعضی جهات نسبت به آن اولویت دارد؛ چرا که تمام گوشت و استخوان او از وی روییده است. بنابراین حرام است که بعداً با آن زن و فرزندان او ازدواج کند، اما ارث نمی‌برد. آیت‌الله العظمی خامنه‌ای نیز نسب طفل را ملحق به اهدا گیرندگان نمی‌دانند بلکه از نظر ایشان هر چند دریافت گامت از زن یا مرد بیگانه به شرط نبود فعل حرام، جایز است لیکن فرزند متولد شده از این طریق، ملحق به زن و مردی است که صاحب نطفه هستند و الحاق آن به زنی که صاحب رحم (دریافت کننده گامت) است، مشکل می‌باشد لذا باید نسبت به احکام شرعی مربوط به نسب احتیاط شود.

مجموع این آرا نشان می‌دهد که در غیاب نص صریح و در فرض ابهام در انتساب نسب، اصل احتیاط به عنوان رویکرد غالب فقهای معاصر در این حوزه مطرح است.

اصل احتیاط، همانطور که در مباحث اصول فقه مطرح شده، به عنوان یک ابزار استراتژیک در نظام فقهی شیعه عمل می‌کند. این اصل، به خصوص در دنیای معاصر که سرعت تحولات علمی و پزشکی بسیار است، به فقه اجازه می‌دهد تا با حفظ اصول بنیادین خود را با شرایط جدید انطباق دهد، در مورد گامت‌های اهدایی، احتیاط به معنای این نیست که صرفاً از آن اجتناب کنیم، بلکه به معنای این است که با دقت، تحقیق و در نظر گرفتن جمیع جوانب، راهکارهایی را بیابیم که هم با موازین شرعی سازگار باشد و هم حقوق طبیعی و اجتماعی افراد را تامین کند. این رویکرد، نشان‌دهنده پویایی و جامعیت فقه شیعه است.

۱-۲-۱. موارد جریان احتیاط عقلی

لازم است موارد جریان احتیاط عقلی ذکر شود تا اساساً طرح موضوع نسب ذیل عنوان احتیاط عقلی امکان‌سنجی گردد، در این راستا مقدمتاً لازم به ذکر است، احتیاط عقلی در سه مورد جاری است:

- جایی که علم تفصیلی به تکلیف و تردید در امثال درست آن وجود دارد
- جایی که علم اجمالی به تکلیف، و شک در متعلق آن وجود دارد
- در شبهات بدوی پیش از فحص از دلیل آن، هرگاه چیزی مشکوک باشد، پیش از فحص از دلیل آن نمی‌توان به برائت تمسک جست، بلکه تا پیش از تمام شدن فحص باید به حکم عقل احتیاط کرد. (ر.ک: خویی، محاضرات فی اصول الفقه، ج ۲) از موارد سه‌گانه یادشده، بیشترین مباحث اصولیان درباره مورد دوم است یعنی درباره علم اجمالی به تکلیف و شک در متعلق آن صورت گرفته است. در اشتغال ذمه به تکلیف، اگر متعلق آن، مشخص و معین باشد آن را علم تفصیلی به تکلیف نامیده‌اند؛ اما گاهی ذمه آدمی به تکلیفی مشغول است که مردد میان دو یا چند حالت است، که در این صورت، آگاهی مکلف به تکلیف را علم اجمالی نامیده‌اند. (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۳۷۴)

توضیح آنکه تطبیق موارد سه‌گانه جریان احتیاط عقلی بر مسئله نسب در فرض باروری با گامت اهدایی، روشن می‌شود که این مسئله نه در زمره علم تفصیلی به تکلیف قرار می‌گیرد و نه صرفاً یک شبهه بدوی ساده است، بلکه به‌طور اصلی ذیل مورد دوم، یعنی علم اجمالی به تکلیف همراه با شک در متعلق آن قابل تحلیل است.

در اینجا، علم اجمالی وجود دارد به اینکه شارع مقدس در باب نسب، احکام الزام‌آور و آثار قطعی همچون محرمیت، نکاح، ارث و ولایت جعل کرده و مخالفت با آن‌ها مستلزم مفسد شرعی و اجتماعی غیرقابل جبران است؛ اما تردید در این است که متعلق این تکلیف الزام‌آور، کدام انتساب خاص است: الحاق نسب به والدین زیستی، والدین حقوقی (گیرنده گامت) یا عدم الحاق.

از این رو، مسئله نسب ناشی از گامت اهدایی، مصداق بارز شک در «مکلف به» در فرض علم اجمالی است که به تصریح اصولیان، مجرای جریان احتیاط عقلی محسوب می‌شود، افزون بر این، تا پیش از فحص کامل از ادله اجتهادی، این مسئله از حیثی با شبهه بدوی پیش از فحص نیز تلاقی داشته و تمسک به براءت در آن موجه نخواهد بود.

۳-۱. تقسیم‌بندی شک‌ها (حکمی و موضوعی) و کاربرد آن در بحث نسب

در علم اصول فقه، در موضع شک، ابتدا لازم است نوع شک مشخص شود. در مسئله نسب، شک در موضوع یعنی تردید در این که آیا این فرزند شرعا منتسب به افراد مورد نظر است یا خیر. شک حکمی اما مربوط به ابهام در حکم شرعی درباره موضوع است؛ یعنی یقین به تحقق موضوع وجود دارد اما حکم شرعی آن نامعلوم یا مورد تردید است.

با تطبیق مبانی اصول فقه بر مسئله نسب ناشی از اهدای گامت، روشن می‌شود که این مسئله واجد هر دو نوع شک، یعنی شک موضوعی و شک حکمی است. از یک سو، تردید در این که آیا کودک متولد شده از گامت بیگانه، با وجود تولد در بستر نکاح، از نظر شرعی منتسب به زوجین محسوب می‌شود یا خیر، ناظر به تحقق موضوع خارجی حکم است و در زمره شبهات موضوعیه قرار می‌گیرد. در این فرض، اصل تردید متوجه خود تحقق نسب شرعی است.

از سوی دیگر، حتی با فرض تحقق موضوع و پذیرش نوعی ارتباط میان کودک و زوجین، ابهام در حکم شرعی مترتب بر این وضعیت باقی است؛ زیرا ادله شرعی در این باب یا فاقد نص صریح‌اند یا با یکدیگر تعارض ظاهری دارند و اختلاف نظر فقها نیز مؤید همین ابهام است. این وضعیت، مصداق روشن شبهه حکمیه به شمار می‌آید. بر این اساس، مسئله نسب ناشی از اهدای گامت، از منظر اصول فقه، در نقطه تلاقی شبهه موضوعیه و شبهه حکمیه قرار دارد و همین امر، با توجه به اهمیت و حساسیت باب انساب، موجب تقویت جریان اصل احتیاط در تحلیل حکم شرعی آن می‌شود.

در مسأله نسب، این موضوع اهمیت مضاعف می‌یابد، زیرا آثار اجتماعی و شرعی آن بسیار گسترده و حساس است. بنابراین، اعمال اصل احتیاط در مواجهه با شک در نسب، به معنی جلوگیری از تصمیمات نسنجیده و آسیب‌زا است که می‌تواند هم به فرد و هم به جامعه صدمه بزند.

۲. قواعد و اصول فقهی مرتبط با نسب

۱-۲. قاعده فراش و محدوده اجرای آن

در خصوص نسب ناشی از فناوری‌های نوین باروری، به‌ویژه گامت‌اهدایی، قاعده فراش با چالش مواجه می‌شود. زمانی که اسپرم یا تخمک از فردی غیر از زوجین اهدا شده و جنین حاصله در رحم زوجه (نابارور) رشد می‌کند، هرچند فرزند در بستر زناشویی متولد شده، منشأ بیولوژیکی نطفه از زوجین نیست. این وضعیت، موضوع اختلاف نظر فقهای معاصر را فراهم آورده است؛ در یک تحلیل اصولی می‌توان پاسخ داد که قاعده فراش در تعیین نسب استوار است. قاعده فراش یک اماره معتبر شرعی است که کاشفیت از واقع دارد و شارع آن را در مقام اثبات نسب حجت قرار داده است؛ حتی اگر یقین به منشأ ژنتیکی خارجی وجود داشته باشد، اماره فراش بر دلایل ظاهری یا علمی که عدم انتساب طفل را به همسر مادر نشان می‌دهد مقدم می‌گردد مگر اینکه دلیل قطعی بر سقوط آن وجود داشته باشد، چنانچه برخی فقها بیان داشتند که: آنچه از شرع فهمیده می‌شود، این است که نسب طفل در جمیع موارد اثبات می‌گردد، مگر در موردی که یقین بر خلاف پیدا شود، تا اعراض مردم محفوظ بماند و افعال مومنین بر صحت حمل شود. (فاضل هندی، ۱۳۸۰، ج ۷، ص ۵۳۶). برخی فقها معتقدند که قاعده فراش تنها در مواردی جریان دارد که امکان الحاق عرفی و شرعی به زوج وجود داشته باشد. در صورتی که نطفه از غیر زوج باشد، فرزند به لحاظ عرفی به اهداکننده ملحق است.

آیت‌الله فاضل لنکرانی در این‌باره نگاشته است: «جاری شدن احکام مادری نسبت به زنی که بچه را در رحم خود پروراند و پس از زایمان شیر دهد، مشکل است و باید از جهت محرمیت و ازدواج احتیاط شود.» (فاضل لنکرانی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۴۹۰). به هر حال در این فرض تردید پیدا می‌شود که مادر طفل کدام یک از این دو زن می‌باشند و این مساله در اطراف علم اجمالی وارد می‌شود که به مقتضای آن باید احتیاط رعایت گردد.

اگر معلوم باشد طفل از اسپرم مرد اجنبی با تخمک زنی که همسر شرعی و قانونی او نیست، تکون یافته است، در این فرض طفل به پدر طبیعی (صاحب نطفه) و مادر طبیعی (زنی که در رحم او پرورش یافته) ملحق می‌گردد

و آثار نسب مترتب می گردد در این حکم بین اعلام فقها معاصر اختلافی نیست. (سیستانی، منهاج الصالحین،

ج ۳، مسئله ۲۸۶۱) و (خامنه ای، علی، استفتائات پزشکی، سوال ۱۲۷۵)

امام خمینی (ره) تلقیح مصنوعی به واسطه گامت بیگانه را جایز ندانسته و نسب طفل ناشی از این تلقیح را

ملحق به زوجین اهدا گیرنده نمی دانند. (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۶۲۱). آیت الله سیستانی نیز نسب طفل را

نطفه می داند. (سیستانی، ۱۳۹۷، ج ۳، مسئله ۲۸۶۱) ملحق به صاحب

آیت الله مکارم شیرازی نیز تلقیح با گامت بیگانه را جایز نمی دانند. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۹، ص ۴۲۷) و آیت

الله العظمی خامنه ای در این خصوص بیان داشته اند که تلقیح زن از طریق نطفه مرد اجنبی فی نفسه اشکالی ندارد

اگر مستلزم فعل حرام نباشد ولیکن نسب طفل ملحق به صاحب نطفه است نه زوج.^۱ (خامنه ای، علی، استفتائات

پزشکی، سوال ۱۲۷۵).

این گروه از فقها به قاعده تبعیت حکم از موضوع استناد می کنند. موضوع قاعده فراش، ولادت طفل به

واسطه نطفه زوج است. هنگامی که نطفه از زوج نباشد، موضوع منتفی است و به قاعده فراش نمی توان تمسک

کرد. همچنین، از منظر اصولی، اماره در صورت انکشاف خلاف سقوط می کند و چون در اینجا خلاف (انتساب

ژنتیکی به غیر زوج) معلوم است، قاعده فراش حجیت ندارد.

۲-۲. قاعده «الولد لصاحب النطفه» و اعمال اصل احتیاط

قاعده «الولد لصاحب النطفه» (فرزند متعلق به صاحب نطفه است) بر ماهیت بیولوژیکی و ژنتیکی نسب تأکید دارد

و انتساب فرزند را به کسی که نطفه از اوست، صحیح می داند. این قاعده در شرایط عادی با قاعده فراش تعارضی

ندارد، اما در موارد اهدای گامت، که منشأ نطفه از فردی غیر از زوجین است، این دو قاعده در برابر هم قرار

می گیرند.

^۱ سؤال ۱۲۷۵. آیا تلقیح نطفه مردی اجنبی به همسر مردی که بجهدار نمی شود، از طریق قراردادن نطفه در رحم او جایز است؟

پاسخ: تلقیح زن از طریق نطفه مرد اجنبی فی نفسه اشکال ندارد ولی باید از مقدمات حرام از قبیل نگاه و لمس حرام و غیر آنها اجتناب شود و به هر حال در صورتی که

با این روش کودکی به دنیا بیاید، ملحق به شوهر آن زن نمی شود بلکه ملحق به صاحب نطفه و به زنی است که صاحب رحم و تخمک است.

۱-۲-۲. موانع اجرای مطلق قاعده «الولد لصاحب النطفة» در گامت اهدایی

هر چند قاعده «الولد لصاحب النطفة» در متون فقهی ریشه‌دار است و در موارد متعارف منشأ انتساب نسب می‌شود، اما در شرایط خاص اهدای گامت، اجرای بی‌قید و شرط آن با موانع و چالش‌هایی مواجه محسوب است. در این بخش، مهم‌ترین موانع شرعی، حقوقی و اجتماعی اجرای مطلق این قاعده در زمینه اهدای گامت بررسی می‌شود:

فقدان رابطه زوجیت مشروع میان اهداکننده گامت (پدر یا مادر بیولوژیکی) و زوج یا زوجه نابارور

تعارض با قاعده فراش

مصالح اجتماعی و روانی

عدم قصد تشکیل خانواده از سوی اهداکننده

پیچیدگی‌های ارث و محرمیت

این موانع سبب شده تا در موارد اهدای گامت، از الحاق نسب به اهداکننده خودداری شود به بیان دیگر برقراری

نسب بین کودک حاصل از اهدای گامت‌ها و زوجین پذیرنده گامت با چالش‌هایی مواجه شود که نیازمند

تحلیل دقیق‌تر فقهی می‌باشد از جمله ملاحظاتی که به شرح ذیل است:

تردید در تحقق رابطه شرعی منشاء نسب: تا زمانی که مشروعیت شرعی (وجود مبنای شرعی معتبر برای

تحقق رابطه پدر-فرزندی یا مادر-فرزندی) به‌طور کامل اثبات نشود، اصل احتیاط اقتضا می‌کند که آثار نسب

بر چنین رابطه‌ای بار نگردد.

تعارض با قواعد تثبیت شده شرعی: در فقه، دو قاعده‌ی اساسی در باب اثبات نسب داریم:

الف) قاعده فراش: «الولد للفراش»: یعنی فرزند متعلق به بستر زناشویی (شوهر زن) است.

ب) قاعده «الولد لصاحب النطفة»: یعنی از نظر طبیعی و شرعی، فرزند به صاحب نطفه (پدر یا مادر بیولوژیکی)

منتسب می‌شود.

در شرایط عادی، این دو قاعده در یک جهت اند، چون نطفه متعلق به همان شوهر و در بستر زناشویی شکل گرفته است. اما در اهدای گامت، این هماهنگی از بین می‌رود:

نطفه از شخص ثالثی (غیر از شوهر) است \Rightarrow مطابق قاعده‌ی «الولد لصاحب النطفة»، فرزند باید به اهداکننده منتسب شود.

ولی حمل در بستر ازدواج زن و شوهر صورت گرفته \Rightarrow طبق قاعده‌ی «فراش»، فرزند باید به شوهر زن منتسب گردد.

این دو حکم با هم تعارض ظاهری پیدا می‌کنند. چون نمی‌توان در آن واحد گفت طفل هم فرزند شوهر است (بر اساس فراش) و هم فرزند صاحب نطفه (بر اساس قاعده نطفه).

از آن سو، چون رابطه زوجیت بین اهداکننده و زن وجود ندارد، نمی‌توان بی‌درنگ قاعده‌ی نطفه را جاری کرد؛ و از سوی دیگر، یقین داریم که نطفه از شوهر نیست، پس اجرای فراش هم با تردید روبه‌روست. در نتیجه، هیچ‌یک از دو قاعده به‌طور مطلق قابل اجرا نیست و اصل احتیاط اقتضا می‌کند که از اثبات قطعی نسب خودداری شود تا مبنای شرعی روشنی به‌دست آید.

پیچیدگی‌های احتمالی در ابعاد شرعی و حقوقی: پذیرش الحاق نسب به والدین قانونی در اهدای گامت، می‌تواند تبعات ناخواسته‌ای در حوزه‌هایی چون محرمیت، ارث، و حتی هویت فردی و خانوادگی ایجاد کند. اصل احتیاط حکم می‌کند که در مواجهه با چنین پیچیدگی‌های بالقوه‌ای که ابعاد آن کاملاً روشن نیست، از پذیرش قطعی نسب خودداری شود تا از بروز مفسد احتمالی جلوگیری گردد.

اولویت حفظ نظام نسب اصیل: نظام نسب در اسلام بر پایه خانواده مشروع و روابط طبیعی بنا شده است. اصل احتیاط حکم می‌کند که در مواجهه با فناوری‌های نوین، تا زمانی که شریعت به وضوح حکم به پذیرش

نسب در این موارد نکرده است، باید جانب احتیاط را رعایت کرد و از ایجاد نسب‌هایی که از چارچوب‌های قطعی و تثبیت شده فاصله می‌گیرند، پرهیز نمود.

با توجه به این استدلال‌ها، اصل احتیاط می‌تواند به عنوان مبنایی برای عدم الحاق قطعی نسب به زوجین گیرنده گامت در موارد اهدای گامت تلقی شود، چرا که ابهامات شرعی و حقوقی موجود، و احتمال بروز مفاسد و اختلال در نظام نسب، رویکردی محافظه‌کارانه را ایجاب می‌کند

۲-۳. اصل عدم و اصل احتیاط در بحث نسب

در نظام اصول فقه شیعه، مواجهه با موارد شک و تردید، مستلزم رجوع به اصول عملیه است. دو اصل بنیادین در این زمینه، "اصل عدم" و "اصل احتیاط" هستند که در ظاهر ممکن است تمایزاتی داشته باشند، اما در تحلیل عمیق و کاربردی، به ویژه در مسائل پیچیده‌ای چون نسب ناشی از اهدای گامت، سازگاری و هم‌افزایی قابل توجهی از خود نشان می‌دهند.

اصل عدم، یکی از اصول بدیهی در اصول فقه است که بر "عدم ترتب آثار شرعی بر موضوعی در صورت عدم احراز آن شرعاً" دلالت دارد. این اصل، خود ریشه در قاعده‌ی کلی "کل شیء ظاهر حتى تعلم انه قدر" (هر چیزی پاک است مگر اینکه علم به نجاست آن پیدا شود) (مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۴۱۷) یا در موارد حقوقی، قاعده‌ی "البینه علی المدعی و الیمین علی من انکر" (دلیل بر مدعی است و سوگند بر کسی که انکار کند) دارد. (حرعاملی، ج ۱۸، باب ۳، ح ۱). برخی از اصولیون، اصل عدم را اماره محسوب نموده و دلیل آن را عقل و سیره عقلا دانسته‌اند. (حیدری، ۱۴۱۲ق، ص ۲۶۸)

در فرض اهدای گامت، نسب بیولوژیکی فرزند به زوجین قانونی (گیرنده گامت) منتسب نیست. ادعای تحقق نسب شرعی یا قانونی، بدون وجود منشأ مشروع (نطفه زوجین)، مواجه با فقدان دلیل اثباتی معتبر است. بر این مبنا، اصل عدم حکم می‌کند که تا زمان تحقق دلیل شرعی، نسب به زوجین قانونی اثبات نمی‌شود. این امر، تأکیدی بر لزوم تطابق احکام با ادله شرعی است.

همچنین اصل احتیاط، به عنوان یکی از اصول عملیه، در موارد شک در تکلیف شرعی (چه در حکم و چه در موضوع) مکلف را به سوی عملی سوق می‌دهد که کمترین احتمال وقوع در حرام یا ترک واجب را داشته باشد. این اصل عبارت است از عمل به چیزی که در پرتو آن، ذمه مکلف از تکلیف متوجه وی، فارغ و رها می‌شود. اصل احتیاط، از اصول عملی است که وظیفه عملی مکلف را به هنگام شک در «مکلف به» تعیین می‌کند و به لزوم موافقت قطعی با تکلیف «معلوم به اجمال» حکم می‌نماید. (نائینی، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۴) و (مشکینی، ۱۳۷۱، ص ۴۲) در

مواردی که مکلف علم به اصل تکلیف (وجوب یا حرمت) دارد، ولی در واجب یا حرام بودن مصداق خاصی شک می‌نماید، برای مثال، می‌داند در ظهر جمعه نماز بر او واجب است، اما شک دارد که نماز ظهر بر او واجب است یا نماز جمعه؛ یا می‌داند خمر حرام است، ولی شک دارد کدام یک از دو ظرف موجود خمر است، باید احتیاط کند؛ یعنی در مثال‌های ذکر شده، در مورد اول، باید هر دو نماز را به جا آورد و در مورد دوم، باید از هر دو ظرف اجتناب نماید تا به موافقت قطعی با تکلیف معلوم به اجمال اطمینان پیدا کند. پس اصل احتیاط در مورد شک در «مکلف به» (شبهه مقرون به علم اجمالی) جاری می‌گردد و چون شک در مکلف به یا بین متباینین است یا بین «اقل و اکثر»، اصولی‌ها در دو مقام از اصل احتیاط بحث نموده‌اند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۱۲۵) و (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۵۸)

در مسئله نسب ناشی از اهدای گامت، اجرای هر یک از دو اصل عدم و اصل احتیاط به نتایج متفاوتی منجر می‌شود. پیاده‌سازی اصل عدم بدین معناست که چون دلیلی معتبر بر تحقق نسب میان کودک و زوجین گیرنده گامت وجود ندارد، اصل بر نبود این نسب است؛ بنابراین، آثار شرعی و قانونی نسب، از جمله ارث، ولایت، حضانت، محرمیت و... بر رابطه زوجین با کودک مترتب نمی‌شود، مگر آن‌که دلیل شرعی یا قانونی جدیدی ارائه گردد. در مقابل، پیاده‌سازی اصل احتیاط اقتضا می‌کند که با توجه به اهمیت و پیامدهای گسترده نسب، در صورت شک در تحقق نسب شرعی به والدین قانونی، جانب احتیاط رعایت شود و از انتساب قطعی کودک به زوجین خودداری گردد تا از وقوع احتمالی محذور شرعی، مانند الحاق نسب به غیر صاحب نطفه، جلوگیری شود. بر این اساس، هر دو اصل اگرچه از دو مسیر متفاوت در مقام اجرا به یک نتیجه عملی واحد می‌رسند: عدم الحاق نسب به والدین قانونی در فرض عدم وجود منشأ شرعی روشن.

شهید صدر، اصل احتیاط را در مواردی که شک در حکم واقعی وجود دارد، به عنوان قاعده «عدم جواز ارتکاب فعلی که احتمال حرمت آن می‌رود» مطرح می‌کنند. ایشان بیان می‌دارند که در موارد شک، انسان باید جانب احتیاط را رعایت کند تا از مواجهه با معصیت الهی اجتناب نماید. این احتیاط، نه تنها در ترک محرمات، بلکه در انجام واجبات نیز جاری است. (صدر، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۱۵۶)

سازگاری اصل عدم و اصل احتیاط در نسب اهدایی از چند جهت قابل توضیح است: اصل عدم با تأکید بر نبود دلیل شرعی برای اثبات نسب، سبب ایجاد شک می‌شود و این شک، با توجه به حساسیت مسئله نسب، اصل احتیاط را فعال می‌کند. هر دو اصل نیز هدف مشترکی دارند؛ یعنی حفظ نظم شرعی و حقوقی نسب و پیشگیری از پیامدهای مفسده‌آمیز. همچنین در اهدای گامت، چون دلیلی بر تحقق نسب وجود ندارد، اصل عدم خود به نفی تحقق نسب حکم کرده و عملاً نیاز به اجرای اصل احتیاط را برطرف می‌سازد. بنابراین بر اساس مبانی اصولی، خصوصاً دیدگاه شهید صدر، اصل عدم نبود دلیل اثبات نسب را نشان می‌دهد و همین امر، همراه با احتیاط، به عدم الحاق نسب در موارد فاقد دلیل معتبر می‌انجامد؛ نتیجه‌ای که از اختلال در احکام مبتنی بر نسب مانند ارث، حضانت و محرمیت جلوگیری می‌کند. اما اگر اصل احتیاط جاری ندانسته شود و فرزند حاصل از گامت بیگانه به والدین

گیرنده نسبت داده شود، مبنای اثبات نسب از حالت تکوینی و ژنتیکی به مبنای اعتباری و مبتنی بر اراده والدین تغییر می‌کند. در این دیدگاه، نسب بر قصد زوجین، نقش آنان در فرایند درمان و پذیرش قانونی آنان به‌عنوان والد استوار است و نوعی نسب اعتباری شکل می‌گیرد که نه کاملاً بیولوژیک است و نه مشابه تبّنی، بلکه مبتنی بر اراده حقوقی والدین است.

۴-۲. اصل برائت و اصل احتیاط

در اصول فقه، اصل برائت به عنوان یک اصل عملی، بر عدم ترتب تکلیف شرعی بر مکلف در صورت شک، تأکید دارد. این اصل، به این معناست که در موارد شک در وجود حکم یا تکلیف، اصل بر عدم وجود آن است و هیچ بار تکلیفی متوجه مکلف نخواهد بود مگر با دلیل قطعی. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۴، ص ۳۴۵) این رویکرد، به حفظ آزادی عمل مکلف و جلوگیری از تحمیل تکالیف بدون دلیل شرعی می‌پردازد.

اصل احتیاط، در مقابل، در موارد شک، مکلف را به سوی عملی سوق می‌دهد که کمترین احتمال وقوع در حرام یا ترک واجب را داشته باشد. این اصل، که ریشه در لزوم رعایت مصالح عباد و اجتناب از مفاسد دارد، از اهمیت ویژه‌ای در مسائل حقوقی و خانوادگی برخوردار است، زیرا این حوزه با حقوق و تکالیف افراد گره خورده و پیامدهای تصمیم‌گیری‌ها، غالباً غیرقابل جبران است. (صدر، ۱۳۷۰، ج ۵، ص ۱۵۶) شهید صدر، در تحلیل اصول عملیه، همواره بر لزوم تطابق حکم شرعی با مقتضیات واقع و رعایت مصالح عباد تأکید داشته‌اند. ایشان در مباحث مربوط به اصول عملیه، اصل احتیاط را در مواردی که احتمال وقوع مفسده وجود دارد، مقدم بر اصل برائت می‌دانند، چرا که غرض اصلی شارع، حفظ نظام اجتماعی و فردی و جلوگیری از وقوع ضرر است. (صدر، ۱۳۷۰، ج ۵، ص ۳۱۷-۳۴۴)

در مسئله نسب فرزند حاصل از اهدای گامت، تعارضی که میان اعمال اصل برائت و اصل احتیاط وجود دارد منجر به نتایج متضادی در انتساب فرزند به والدین قانونی (زوجین) یا والدین بیولوژیک (گامت‌دهنده) می‌شود. این تضاد، ریشه در تفاسیر مختلف از ماهیت «نسب» و «دلیل شرعی» و همچنین اولویت‌بندی اصول عملیه دارد. در ادامه بیشتر به شرح این مطلب پرداخته می‌شود.

۴-۲-۱. اصل برائت و انتساب به زوجین نابارور

اصل برائت، به معنای نفی تکلیف و عدم بار مسئولیت تا زمان اثبات خلاف است. در حقوق و فقه خانواده ما، عقد نکاح «مبنای اصلی انتساب فرزند» به زوج تلقی می‌شود؛ بنابراین هرگاه الحاق نسب میان طفل و زوجین مورد تردید قرار گیرد و دلیلی شرعی یا عرفی قاطع در خصوص نفی آن نسب عرضه نشود، قاعده برائت حکم خواهد کرد که نسبت قانونی و شرعی ناشی از نکاح تا زمان اثبات خلاف معتبر و نافذ است. به عبارت دیگر، در فرض‌هایی

مانند اهدای گامت که احتمال تعلق طفل به شخص ثالث (مانند گامت‌دهنده ناشناس) مطرح می‌شود، در غیاب دلیل صریح و قاطع، اصل برائت از «بی‌تعلقی طفل به زوجین» حمایت نمی‌کند؛ بلکه اعتبار انتساب قانونی موجود را تا زمان اثبات خلاف حفظ می‌نماید. در عرف حقوقی این معنا با این بیان تکمیل می‌شود که «بار اثبات نسبت مخالف بر عهده کسی است که ادعای تخلف از انتساب قانونی را دارد.» چنانچه بعضی از حقوق‌دانان معتقدند که نزدیکی جنسی فقط راه معتاد آبستنی است و نفس این اقدام به تنهایی اثری در احکام نسب ندارد و آنچه سبب انتساب طفل به پدر و مادر می‌شود، رابطه زوجیت بین آنان یا اعتقاد به وجود چنین رابطه‌ای است و در انتساب طفل به پدر و مادر نباید تردید کرد. (کاتوزیان، ۱۳۷۸، صص ۲-۵۶) مطابق این نظر، ازدواج یک قرارداد اجتماعی و حقوقی است که علاوه بر جنبه‌های زیستی، متضمن تعهدات والدین نسبت به فرزند و بالعکس است. قانون مدنی ایران، بر اساس همین عقد نکاح، زوجین را والدین قانونی طفل می‌داند و این رابطه، آثار حقوقی مهمی چون حضانت، نفقه، ولایت و ارث را به همراه دارد. اصل برائت، از این رابطه حقوقی و اجتماعی حمایت می‌کند و تا زمانی که دلیل شرعی یا قانونی روشنی بر نفی آن نباشد، آن را معتبر می‌شناسد و فرزند را منتسب به زوجین قانونی می‌داند.

قانون، «والدین قانونی» را بر اساس عقد نکاح و نه صرفاً علقه بیولوژیکی تعریف می‌کند. (ماده ۱۱۵۸ قانون مدنی) در مواردی که گامت‌دهنده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد، زن و شوهری که فرزند را به دنیا می‌آورند و تربیت می‌کنند، «والدین قانونی» هستند، حتی اگر منشأ ژنتیکی فرزند از آن‌ها نباشد. اصل برائت، در اینجا، به نفع رسمیت یافتن این رابطه خانوادگی و حقوقی عمل می‌کند.

۲-۴-۲. اصل احتیاط و انتساب به والدین بیولوژیکی

اصل احتیاط، به معنای اجتناب از ارتکاب احتمالی حرام یا ترک واجب است. در مسئله اهدای گامت، شک اصلی در مورد منشأ بیولوژیکی فرزند و مشروعیت انتساب او به والدین قانونی است. از منظر احتیاط، اگر انتساب به والدین قانونی (در حالی که منشأ بیولوژیکی از آن‌ها نیست) با شبهات شرعی همراه باشد، احتیاط حکم می‌کند که این انتساب مورد تردید قرار گیرد و به سمت انتساب بیولوژیکی (در صورت امکان شناسایی) گرایش پیدا کند.

در فقه اسلامی، نسب عمدتاً بر اساس ارتباط خونی و بیولوژیکی شکل می‌گیرد و احکامی چون محرمیت، وراثت، و برخی تکالیف دیگر، بر این پایه استوارند. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۷۵) اصل احتیاط، با توجه به اهمیت این ارتباط بیولوژیکی در تعیین احکام شرعی، حکم می‌کند که در صورت وجود شک در نسبت واقعی، باید به دنبال کشف منشأ بیولوژیکی بود. قواعد فقهی مانند «الولد للفراس» و «الولد لصاحب النطفة» بر نقش نطفه و منشأ بیولوژیکی تأکید دارند. در مورد اهدای گامت، نطفه از گامت‌دهنده است، و این امر، اصل احتیاط را به

سمت انتساب به صاحب نطفه سوق می‌دهد، زیرا احکام شرعی مرتبط با نسب، مستقیماً به این منشأ بیولوژیکی بازمی‌گردد. اصل احتیاط، همواره در پی حفظ مصالح و دفع مفاسد است. در مواردی که ابهام در مشروعیت یا صحت انتساب قانونی وجود دارد، اصل احتیاط اقتضا می‌کند که از پذیرش قطعی آن خودداری شود و راه‌حلی جست‌وجو گردد که مانع از ارتکاب احتمالی حرام یا تعطیلی احکام شرعی شود. این رویکرد، ممکن است به معنای پذیرش انتساب به گامت‌دهنده (در صورت امکان شناسایی) باشد تا از ورود به شبهات شرعی جلوگیری شود.

۳. رویکرد حقوقی نسبت به نسب

۳-۱. دیدگاه نویسندگان حقوقی

برای تحلیل وضعیت نسب در اهدای جنین، می‌توان به دیدگاه‌های حقوق‌دانان برجسته مراجعه کرد. حقوق‌دانان تعاریف مشابهی ارائه کرده‌اند؛ برای نمونه، امامی (امامی، ۱۳۷۶)، به نقل از زنگنه شهرکی و حصاری، بی‌تا) نسب را رابطه‌ای می‌داند که از انعقاد نطفه ناشی از نزدیکی زن و مرد حاصل می‌شود و از این طریق رابطه‌ی طبیعی خونی بین طفل و والدین به‌وجود می‌آید.

گروهی از حقوق‌دانان بر این باورند که تخمک در ایجاد نسب نقش اساسی دارد؛ زیرا منشأ اصلی پیدایش جنین است. به بیان شهیدی (شهیدی، ۱۳۸۰)، به نقل از زنگنه شهرکی و حصاری، بی‌تا)، صرف‌رشد و تکامل جنین در رحم برای تحقق نسب کافی نیست و صاحب تخمک نقش اصلی را در ایجاد کودک دارد. همچنین برخی (رضانیا و معلم، ۱۳۸۶)، به نقل از زنگنه شهرکی و حصاری، بی‌تا) تأکید کرده‌اند که وجود تخمک برای تشکیل جنین ضروری است و حتی اگر جنین در محیط آزمایشگاهی رشد کند، نقش رحم در حد نقش رشد و پرورش بوده و منشأ ایجادکننده محسوب نمی‌شود.

بر این مبنا، به نظر می‌رسد که صاحب تخمک باید مادر طفل شناخته شود، زیرا عنصر اصلی و اولیه در پیدایش طفل، تخمک است. هرچند صاحب رحم در رشد و پرورش کودک نقش دارد، این نقش فرعی بوده و می‌تواند موجب محرمیت یا نوعی قرابت مشابه رضاع شود، نه مادری. از همین رو، صاحب اسپرم نیز پدر طفل به شمار می‌آید، چون اسپرم همراه با تخمک از علل اصلی تشکیل جنین است. این انتساب با قواعد طبیعی، حقوقی و فقه اسلامی نیز هماهنگ است.

۳-۲. نسب در قانون مدنی ایران

در قانون مدنی ایران، مواد ۱۱۵۸ تا ۱۱۶۰ به نسب مشروع اختصاص دارد، اما درباره فرزند ناشی از اهدای جنین یا روش‌های نوین کمک‌باروری سکوت کرده است. برای مثال، ماده ۱۱۵۸ مقرر می‌دارد:

«طفل متولد در زمان زوجیت ملحق به شوهر است، مشروط بر اینکه از تاریخ نزدیکی تا زمان تولد کمتر از شش ماه و بیشتر از ده ماه نگذشته باشد.»

این ماده مبتنی بر شرایط طبیعی بارداری تدوین شده و قابلیت اعمال مستقیم بر موارد اهدای جنین را ندارد. همچنین در قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور مصوب ۱۳۸۲، تنها شرایط و تکالیف زوجین دریافت‌کننده بیان شده و هیچ تصریحی درباره نسب کودکان وجود ندارد. ماده ۳ این قانون نیز صرفاً تکالیف نگهداری، تربیت و نفقه را مشابه تکالیف پدر و مادر ذکر کرده و نسبت شرعی را تعیین نکرده است. این خلأ قانونی موجب بروز تفسیرهای مختلف قضایی شده و ضرورت مداخله قانون‌گذار برای تعیین وضعیت نسب را آشکار می‌سازد. (زنگنه شهرکی و حصار، بی تا، ص ۶۵)

۴. تحلیل آثار اجتماعی، اخلاقی و روانی اعمال اصل احتیاط

با توجه به گستره آثار اصل احتیاط در حوزه نسب، ارزیابی پیامدهای آن تنها به بُعد فقهی محدود نمی‌شود، بلکه جنبه‌های اجتماعی، اخلاقی و روانی را نیز دربر می‌گیرد. اعمال یا عدم اعمال احتیاط در پذیرش نسب ناشی از فناوری‌های نوین باروری می‌تواند پیامدهایی دوگانه بر نظام خانواده و جامعه داشته باشد؛ از این رو، در ادامه، مهم‌ترین آثار مثبت و منفی این رویکرد مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

۴-۱. پیامدهای مثبت اصل احتیاط در پذیرش یا رد نسب ناشی از باروری‌های نوین

۴-۱-۱. استحکام بنیان‌های حقوقی و پیشگیری از تزلزل نظام خانوادگی

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای اصل احتیاط در حوزه نسب، ایجاد یک چارچوب حقوقی پایدار است که از بروز تصمیمات شتاب‌زده و تثبیت نادرست روابط نسبی جلوگیری می‌کند. از نگاه اصولی، هر جا تردید در تحقق یک موضوع وجود داشته باشد، به ویژه موضوعی که آثار دائمی و غیرقابل جبران دارد، احتیاط در ترک یا عدم اثبات، بر اقدام مقدم است. (غروی اصفهانی، ۱۳۴۳ق، ج ۲، ص ۳۷۹) از منظر فقهی، بسیاری از فقها اصل احتیاط را نه تنها در باب عبادات، بلکه در معاملات و احکام خانوادگی نیز جاری می‌دانند، مشروط به آنکه موضوع از اهمیت حیاتی برخوردار باشد. (انصاری، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۳۳۴) این امر در حوزه نسب به معنای آن است که هر جا احتمال اشتباه در تشخیص والدین وجود داشته باشد، به جای اثبات عجولانه، باید جانب احتیاط را گرفت، زیرا مصالح ناشی از صحت نسب کمتر از مفسد ناشی از تثبیت نادرست آن نیست. (خراسانی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۱۵۰)

۲-۱-۴. حمایت از مقاصد شریعت در حفظ نسل و نسب

بر اساس نظریه مقاصد شریعت که علمای بزرگ مانند علامه حلی در قواعد الأحكام مطرح کرده‌اند، «حفظ النسل» یکی از پنج ضرورت اصلی است که تمام احکام شرعی باید با آن سازگار باشد. (حلی، ۱۳۹۶، ج ۳، ص ۲۹۱) در این چارچوب، اصل احتیاط ابزار اجرایی این مقصود در شرایطی است که فناوری‌های نوین باروری، مانند اهدای جنین یا رحم جایگزین، امکان اختلاط یا ابهام در نسب را به وجود آورده‌اند. اجرای احتیاط موجب می‌شود که تنها نسب‌هایی به رسمیت شناخته شوند که تمامی شرایط شرعی و قانونی را دارا باشند. (ابن عاشور، ۱۴۲۱ق، ص ۲۳۹)

۳-۱-۴. پیشگیری از آثار زنجیره‌ای فساد نسب

اثبات نسب بدون دلیل قاطع می‌تواند باعث ابطال نکاح‌های آینده، بروز حرمت‌های سببی یا رضاعی غیرواقعی، و حتی بطلان حقوق ارثی گردد. از این رو، اصل احتیاط در این حوزه همچون سدی در برابر انحرافات احتمالی در ساختار خویشاوندی عمل می‌کند و مانع گسترش یک خطای کوچک به معضلی بزرگ و پایدار می‌شود. (طباطبایی حکیم، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۲۸۴)

۲-۲-۴. پیامدهای منفی احتمالی اصل احتیاط در پذیرش یارد نسب

۱-۲-۴. تعمیق احساس بی‌ریشگی و هویت‌گزیزی در کودک

یکی از پیامدهای مهم و کمتر مورد توجه اجرای اصل احتیاط، پیامدهای روانی آن بر کودکی است که نسب او به دلیل نبود دلایل قطعی به رسمیت شناخته نمی‌شود. روان‌شناسان رشد بر این باورند که هویت شخصی، ترکیبی از عوامل ژنتیکی، خانوادگی و فرهنگی است و حذف یا ابهام در یکی از این مؤلفه‌ها، به ویژه در دوره نوجوانی، می‌تواند منجر به بحران هویت شود. (اریکسون، ۱۳۹۶، ص ۷۴) در فرهنگ اسلامی، معرفت به نسب بخشی از کرامت انسانی تلقی شده و حتی در روایات آمده که «تَعَلَّمُوا مِنْ أَسَابِكُمْ مَا تَصِلُونَ بِهِ أَرْحَامَكُمْ؛ نسب‌های خود را فراگیرید تا به وسیله آن صله رحم کنید.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۷۲)

۲-۲-۴. ایجاد شکاف‌های عاطفی و اجتماعی

خانواده به‌عنوان نخستین محیط رشد انسان، نقشی بی‌بدیل در شکل‌دهی به شخصیت عاطفی و اجتماعی فرد دارد. (برک، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۴۵۱) وقتی اصل احتیاط منجر به عدم شناسایی رسمی والدین یا بستگان کودک می‌شود، وی از بسیاری از روابط حمایتی و عاطفی محروم می‌گردد. این محرومیت نه تنها در محیط خانواده، بلکه در اجتماع

نیز نمود پیدا می کند، زیرا در جوامع سنتی، جایگاه اجتماعی فرد تا حد زیادی به وابستگی های خونی و خانوادگی او گره خورده است. (قرضاوی، ۱۴۰۳، ص ۹۱)

اگرچه احتیاط در باب نسب از نظر شرعی لازم است، اما اجرای آن بدون تدابیر حمایتی، می تواند به نوعی «ضرر غیرمباشر» بینجامد که با قاعده «لا ضرر و لا ضرار» در تعارض خواهد بود. (روحانی، ۱۴۳۵ق، ج ۲۳، ص ۱۵۵) این تعارض، از نظر اصولی، نیازمند جمع بندی دقیق میان مصلحت حفظ نسب و مصلحت حفظ سلامت روانی و اجتماعی فرد است.

۳-۲-۴. محدودیت در فرصت ها و مشارکت اجتماعی

در برخی فرهنگ ها و نظام های حقوقی، مجهول النسب بودن ممکن است دسترسی فرد به برخی مشاغل یا مناصب را محدود کند، به ویژه در جوامعی که وابستگی خانوادگی به عنوان معیاری برای اعتماد اجتماعی در نظر گرفته می شود. در نتیجه، اصل احتیاط، هرچند در سطح کلان به امنیت نسبی جامعه کمک می کند، اما در سطح خرد می تواند فرصت های فردی را کاهش دهد و حس محرومیت اجتماعی ایجاد کند. (پوتنام، ۱۳۹۲، ص ۶۲)

۵. راهکارهای قانونی و اجتماعی برای کاهش چالش های اعمال «اصل احتیاط» در مسائل نسب ناشی از گامت اهدایی

چنانچه پیش از این بیان شد، خلأهای قانونی و فقدان سازوکارهای حمایتی و مشاوره ای، باعث می شود اعمال «اصل احتیاط» در باب نسب ناشی از گامت اهدایی آثار اجتماعی و روانی سنگینی بر کودک و خانواده داشته باشد. برای کاستن از این مخاطرات، لازم است مجموعه ای از اقدامات تقنینی، قضایی، کلینیکی و اجتماعی با نگاه میان رشته ای اجرا شود (روشن، ۱۳۸۶، ص ۴۰۸؛ صفایی، ۱۳۸۶، ص ۳۲۳ و ۳۲۴).

۱-۵. تدوین قانون جامع و به روز ویژه اهدای گامت و نسب ناشی از آن

قانون گذاری صریح و جامع که مصادیق، حدود و آثار حقوقی «والدیت قانونی»، وضعیت توارث، محرمیت و رویه های ثبت را روشن کند، نخستین گام اساسی است. مطالعات تطبیقی و نقدهای مرتبط با قانون فعلی نشان می دهد که قانون «نحوه اهدای جنین» (مصوب ۱۳۸۲) ناقص است و لازم است در قالب یک قانون یا اصلاحیه مشخص تر، نسبت و آثار نسب در حالت های مختلف گامت اهدایی تعیین شود تا از هر گونه تصمیم قضایی سلیقه ای جلوگیری شود. (صفایی، ۱۳۸۶، ص ۳۲۴ و ۳۲۵؛ روشن، ۱۳۸۶، ص ۴۱۰). همچنین لازم به ذکر است با توجه به نتایج این پژوهش، چنانچه در برخی روش های نوین باروری (همچون اهدای گامت های بیگانه موضوع این

پژوهش، نه همه روش های آن) شبهه جدی در اختلاط نسب یا عدم امکان احراز انتساب شرعی وجود داشته باشد، بنابر اصل احتیاط در فروج و انساب، می توان گفت این روش ها با مبانی شرع مقدس سازگار نبوده و در حوزه تقنین، قابلیت منع و غیرقانونی تلقی شدن را دارند؛ چراکه تثبیت آثار نسبی در فرض شک، از مصادیق مفسده غیرقابل جبران است.

۲-۵. ایجاد رجیستری ملی کنترل شده (ثبت اهداکنندگان و افراد متولد از اهداء) با دسترسی

مشروط
تشکیل سامانه ملی که به صورت محرمانه اطلاعات اهداکننده، گیرنده و نوزاد را ثبت کند و امکان دسترسی مشروط (مثلاً پس از رسیدن فرزند به سن معین یا با حکم قضایی) را فراهم آورد، هم از منظر حفظ حقوق طفل و هم جلوگیری از بروز مخاطرات ژنتیکی و ازدواج های محارم مفید است. مقالات فقهی و حقوقی ایرانی بر ضرورت چنین ثبت و دسترسی مشروط تأکید کرده اند اما این راهکار نسب ناصحیح را درست نمی کند و در ما نحن فیه عملاً کاربردی ندارد بلکه از اختلاط انساب در آینده جلوگیری می کند. (صحرائی اردکانی و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۸؛ راسخ و عامری، ۱۴۰۳، ص ۲۸۱).

۳-۵. قراردادها و رضایت نامه های استاندارد و الزامی با تضمین های قضایی

پیش از انجام اهدای گامت، تنظیم قراردادهای روشن میان کلینیک، اهداکننده و زوج گیرنده، می تواند از بروز اختلافات و تردیدهای لاحق بکاهد. متون حقوقی ایرانی پیشنهاد کرده اند قراردادها و رضایت نامه های مکتوب و مستدل را به عنوان شرط خدمات بالینی الزام آور نمود. (صفایی، ۱۳۸۶، ص ۳۲۴، روشن، ۱۳۸۶، ص ۴۰۹).

۴-۵. تدوین پروتکل های استاندارد بالینی و صلاحیت دهی اهداکنندگان (غربالگری پزشکی و ژنتیکی)

استانداردسازی غربالگری اهداکنندگان (پزشکی، ژنتیکی و روان سنجی) و الزام مراکز درمانی به ثبت مستندات علمی، از یک سو سلامت نسل را تضمین می کند و از سوی دیگر ادعاها و اختلافات آتی را کاهش می دهد. مقالات ایرانی بر نقش مقررات اجباری کلینیکی و ثبت دقیق مدارک تأکید دارند (صفایی، ۱۳۸۶، ص ۳۲۵؛ راسخ و عامری، ۱۴۰۳، ص ۲۸۵).

۵-۵. ابزارهای حقوقی تکمیلی جهت تضمین منافع طفل (وصیت، قیمومیت قراردادی، صلح حقوقی مالی)

در مواردی که به دلیل احتیاط، نسبت بیولوژیک یا حقوقی محل تردید است، می توان با سازوکارهای حقوقی جایگزین (وصیت والدین قانونی برای تخصیص دارایی، قراردادهای صلح برای تنظیم حقوق مالی طفل، تعیین قیم از سوی دادگاه) آثار منفی اقتصادی و مادی ناشی از عدم اثبات نسب را تعدیل کرد. متون حقوقی ایرانی این راهکارها را مؤثر دانسته اند. (راسخ و عامری، ۱۴۰۳، ص. ۳۰۰)

نتیجه گیری

بررسی چالش های حقوقی و اجتماعی ناشی از اعمال اصل احتیاط در نسب ناشی از گامت اهدایی نشان می دهد که خلأهای قانونی و فقدان ساختارهای حمایتی موجب بروز مشکلات متعددی در حقوق والدین، طفل و اهداکنندگان می شود. در شرایط کنونی، فقدان قوانین جامع و روشن، نبود سامانه های ثبت و دسترسی به اطلاعات، و کمبود مشاوره های تخصصی، موجب افزایش ابهام در تعیین والدیت قانونی، مشکلات حقوقی در ارث و محرمیت، و آسیب های روانی و اجتماعی برای خانواده و کودک می گردد. همچنین، فقدان پروتکل های پزشکی و حقوقی استاندارد، سلامت جسمانی و روانی نسل آینده را نیز تهدید می کند.

بر این اساس، می توان نتیجه گرفت که اعمال اصل احتیاط بدون چارچوب قانونی و سازوکارهای حمایتی نه تنها نمی تواند به اهداف خود یعنی حفظ حقوق و سلامت افراد و جامعه برسد، بلکه ممکن است خود منشأ مشکلات جدی تر شود. لذا ضرورت تدوین قوانین جامع و به روز، ایجاد سامانه های ملی ثبت اطلاعات با دسترسی مشروط، و الزام مراکز درمانی به اجرای پروتکل های استاندارد به وضوح احساس می شود. همچنین، آموزش میان رشته ای حقوق دانان، قضات، پزشکان و روان شناسان و توسعه خدمات مشاوره ای حقوقی و روان شناختی برای همه طرف های درگیر، از دیگر الزامات اساسی است.

از دیدگاه اجتماعی، حمایت های روانی و مالی از طفل و خانواده، به ویژه در شرایط عدم قطعیت نسبت، می تواند از بروز آسیب های عمیق تر جلوگیری کند و به ثبات خانواده کمک نماید. اجرای مدل های شناسایی مشروط برای حفظ تعادل میان حق شناخت نسب زیستی طفل و حفظ حریم خصوصی اهداکننده نیز راهکار مؤثری است که تجربه سایر کشورها نشان از کارآمدی آن دارد.

در نهایت، پیشنهاد می‌شود دولت و نهادهای قانون‌گذاری در قالب یک کارگروه تخصصی میان‌رشته‌ای با همکاری مراکز علمی و مراکز درمان ناباروری، هرچه سریع‌تر نسبت به تدوین و تصویب قانون جامع در حوزه گامت‌اهدایی اقدام نمایند. همچنین، فراهم آوردن زیرساخت‌های فناوری اطلاعات برای ثبت و مدیریت داده‌های اهدای گامت، و تدوین دستورالعمل‌های مشاوره‌ای و پروتکل‌های پزشکی حقوقی، از اقدامات ضروری در این مسیر خواهد بود. این گام‌ها نه تنها از بروز چالش‌های حقوقی و اجتماعی می‌کاهد، بلکه سلامت و آرامش روانی نسل آینده و خانواده‌های درگیر را تضمین می‌کند.

تعارض منافع

بنابر اظهار نویسنده‌گان این مقاله تعارض منافع ندارد.

سپاسگزاری

سپاس و ستایش خدای متعال را جل و علا که جلوه‌های قدرتش در پهنه آفرینش هویداست و انوار رحمت و حکمتش دل‌های ما را به سوی روشنایی رهنمون می‌سازد. پروردگاری که نعمت عقل و فرصت جست‌وجوی حقیقت را به ما ارزانی داشت و توفیق پیمودن راه دانش را - هرچند به قدر توان خویش - بر ما میسر فرمود. به درگاه او سر تعظیم فرود می‌آوریم که یاری‌اش چراغ راه ما در نگارش این اثر بود.

همچنین مراتب قدردانی و سپاس صمیمانه خود را تقدیم می‌داریم به استاد راستی‌عزیز که با راهنمایی‌های دلسوزانه، تشویق‌های پربار و حمایت‌های بی‌دریغ خویش، ما را در تمامی مراحل نگارش این مقاله همراهی کردند.

فهرست منابع

الف) کتب

- ابن عاشور، محمد طاهر. (۱۴۲۵ق). مقاصد الشریعة الإسلامیة. قطر: وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامیة.
- انصاری، مرتضی. (۱۳۷۹). فرائد الأصول (ج ۱). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- اسلامی، رضا. (۱۴۰۱). ترجمه و شرح فارسی دروس فی علم الأصول (حلقات). قم: بوستان کتاب.
- برک، لورا. (۱۴۰۳). روان‌شناسی رشد (ج ۱، ترجمه یحیی سیدمحمدی). تهران: ارسباران.

- پوتنام، رابرت. (۱۳۹۲). سرمایه اجتماعی (ترجمه افشین خاکباز). تهران: پردیس دانش.
- حلی، حسن بن یوسف (علامه حلی). (۱۳۹۶). قواعد الأحكام. قم: دفتر انتشارات اسلامی (جامعه مدرسین حوزه علمیه قم).
- خراسانی، محمد کاظم. (۱۴۰۹ق). کفایه الأصول (ج ۲). قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.
- خویی، سید ابوالقاسم. (۱۳۹۵). محاضرات فی اصول الفقه (ج ۲). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- خمینی، روح الله. (۱۳۷۲). توضیح المسائل. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- خمینی، روح الله. (۱۳۷۸). تنقیح الأصول. تهران: چاپ و نشر عروج.
- روحانی، محمد صادق. (۱۴۳۵ق). فقه الصادق (ج ۲۳). قم: آیین دانش.
- زین الدین بن علی (شهید ثانی). (۱۴۱۰ق). مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام. قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.
- صدر، محمد باقر. (۱۳۷۰). الأسس المنطقية للاستنباط. بيروت: مؤسسه النشر الإسلامی.
- صدر، محمد باقر. (۱۳۷۰). بحوث فی علم الأصول (ج ۵). بيروت: مؤسسه النشر الإسلامی.
- شیرازی، صدرالدین (ملاصدرا). (۱۴۱۲ق). الحكمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة (ج ۳، سفر نفس، مقصد ششم). بيروت: دار إحياء التراث.
- فاضل لنکرانی، محمد. (۱۳۷۹). سیری کامل در اصول فقه. قم: نشر فیضیه.
- فاضل لنکرانی، محمد. (۱۴۲۸ق). جامع المسائل (ج ۲). قم: دفتر معظم له.
- قرضاوی، یوسف. (۱۳۹۶). فقه الأسرة و قضايا المرأة. ترکیه: الدار الشامیه.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۸). حقوق مدنی: خانواده. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (ج ۵). تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- غروی اصفهانی، محمد حسین. (۱۳۴۳ق). نهاية الدراية فی شرح الکفایة (ج ۲). قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۱). أنوار الفقاهة: کتاب النکاح (ج ۴). قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۸ق). أنوار الأصول. قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب.

- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۷). آشنایی با علوم اسلامی: اصول فقه و فقه. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۵). علل گرایش به مادی‌گری. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۵). مسئله حجاب. تهران: صدرا.
- نائینی، محمدحسین. (۱۳۷۶). فوائد الأصول. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طباطبایی حکیم، محسن. (۱۳۹۱). مستمسک العروة الوثقی (ج ۱۴). قم: مؤسسه دارالتفسیر.
- حسینی سیستانی، سید علی. (۱۳۹۷). منهاج الصالحین (ج ۳). مشهد: دفتر مرجع عالیقدر آیت الله سیستانی.
- حسینی سیستانی، سید علی. (۱۴۰۳). توضیح المسائل جامع (ج ۴). مشهد: دفتر مرجع عالیقدر آیت الله سیستانی.
- شهید اول، محمد بن مکی عاملی. (۱۳۸۴). ذکرى الشيعة فى أحكام الشريعة. قم: مؤسسه آل البيت.
- مشکینی، علی. (۱۳۷۱). اصطلاحات الأصول. قم: نشر الهادی.
- حیدری، علی نقی. (۱۴۱۲ق). أصول الاستنباط فى أصول الفقه و تاريخه بأسلوب جديد. قم: لجنة إدارة الحوزة العلمية.

ب) قوانین

- قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۱۴).
- قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور. (۱۳۸۲).

ج) مقالات علمی

- راسخ، محمد، و عامری، فائزه. (۱۴۰۳). ثبت و افشای اطلاعات اهداکنندگان گامت و جنین در نظام حقوق سلامت عمومی. تحقیق و توسعه در حقوق عمومی، ۲۸۰-۳۱۸.
- روشن، محمد. (۱۳۸۶). بررسی حقوقی اهدای گامت و جنین. فصلنامه پایش، ۶(۴)، ۴۰۸-۴۱۴.
- صحرایی اردکانی، محمد، خدایار، حسین، و هنرور، مرضیه. (۱۴۰۰). بازشناسی ضرورت‌های شرعی ثبت و امکان دسترسی به اطلاعات اهدای گامت و جنین. حقوق پزشکی، ۱۵(۵۶)، ۷۹-۹۸.
- صفایی، سید حسین. (۱۳۸۶). نارسایی‌های قانون ایران درباره اهدای گامت و جنین با توجه به حقوق تطبیقی. فصلنامه پایش، ۶(۴)، ۳۲۳-۳۴۰.

- مصدقین، اکرم، فلاح، اکبر، و فقیهی، علی. (۱۴۰۲). مشروعیت نسب و آثار آن در بارداری‌های نوین. قرآن و طب، ۸(۱)، ۶۹-۷۶.
- نصرتی، سیده فاطمه، امیریان، ملیحه، و ایرانی، مروارید. (۱۳۹۸). بررسی جنبه‌های مشاوره‌ای، قانونی و فقهی گامت‌اهدایی در ایران: مطالعه مروری. زنان، مامایی و نازایی ایران، ۶(۲۲)، ۸۵-۹۶.
- زنگنه‌شهرکی، جعفر، و حصاری، فاطمه. (بی‌تا). وضعیت حقوقی - فقهی فرزندان ناشی از اهدای جنین (نسب، ارث، حضانت). اولین همایش ملی دستاوردها و چالش‌های خانوادگی و فرهنگی از منظر روان‌شناسی و حقوق.

(د) پایان‌نامه‌ها

- عامریان، فرنگیس. (۱۳۹۵). نسب و حقوق مدنی طفل ناشی از اهدای نطفه و جنین در فقه امامیه و حقوق ایران (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه رازی، کرمانشاه.
- مسعودی، سمیرا. (۱۳۸۹). بررسی فقهی و حقوقی موضوع رحم اجاره‌ای و اهدای گامت در ایران (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه تربیت معلم، تهران.
- صولتی، فاطمه. (۱۳۸۸). بررسی مبانی فقهی اهدای گامت (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه پیام نور، تهران.

پایان‌نامه‌ها
 انتشارات ناوید استند